روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۶۰۳۶۱۲۲ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۲۳ فروردین ۱۴۰۰ • ۲۹ شعبان ۱۴۴۲ • ۱۲ آوریل ۲۰۲۱
سال هجدهم • شماره ۳۹۷۵ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۵ • اذان مغرب ۱۹:۵۴
اذان صبح فردا ۵:۰۷ • طلوع آفتاب ۶:۳۴

fardashargh@gmail.com

روزنامه فردا

نور نوشت

با توجه به گسترش ویروس کرونا، بازار بزرگ تهران به حالت تعطیل کامل درآمد. عکس: علی احمدوند، آنا

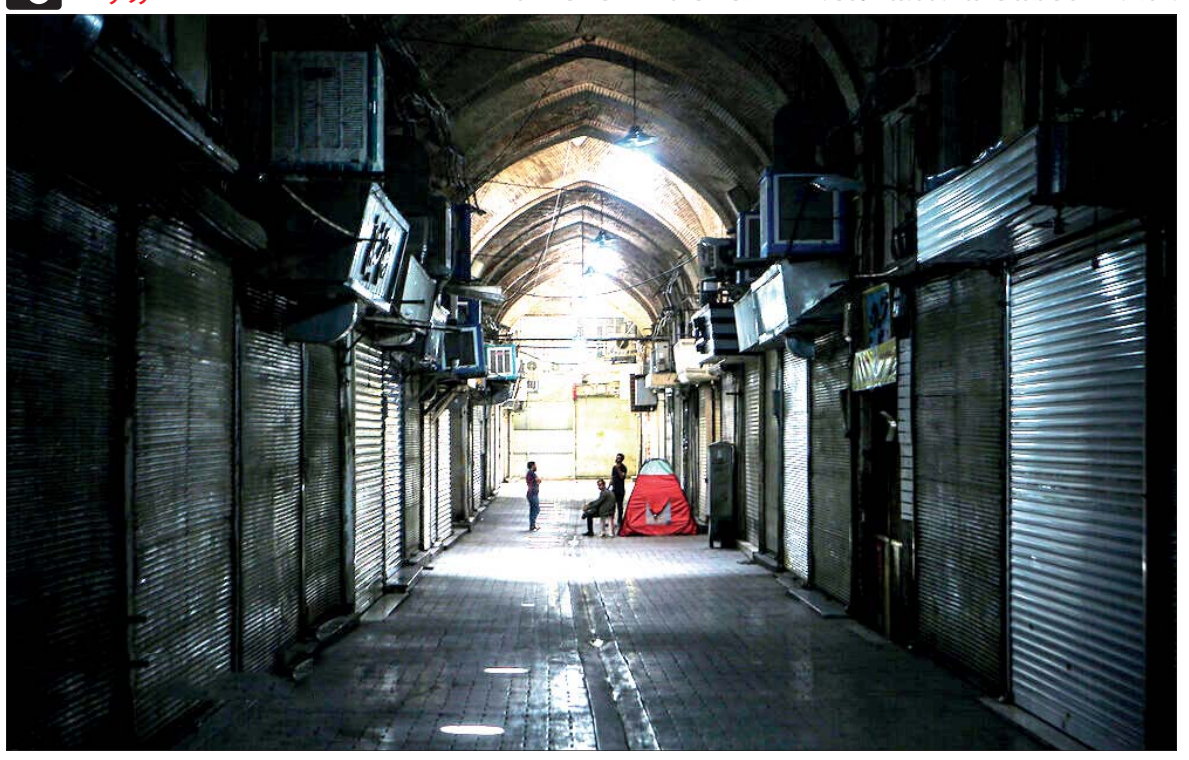

زمین سبز

جنگه مگه؟

سعید نبی
مستندساز محیط زیست

خارجی. شب. فیله‌خاصه: چند شکارچی با اسلحه کلاشنیکف در منطقه حفاظت‌شده فیله‌خاصه در شمال غربی زنجان در کمین شکار آهوها در فصل زادوولدشان نشسته و دوربین می‌کشند. سفیدی نور ماه در منطقه وهم عجیبی ایجاد کرده است. آهویی از گله جدا شده و در تیررس شکارچیان قرار می‌گیرد.

خارجی. روز. فیله‌خاصه: مهدی مجلل و میکائیل هاشمی، محیط‌بانان زنجانی، درپی گشت‌زنی متوجه فرار نیسانی از منطقه حفاظت‌شده می‌شوند و ایست می‌دهند. نیسان نمی‌ایستد، تعقیب‌وگریز ادامه می‌یابد، در میان صدای تیراندازی با سلاح جنگی به سمت خودروها، خودروی بدون GPS محیط‌بانان در افق محو می‌شود.

خارجی. روز. حاشیه روستا: مهدی و میکائیل در کنار خودروی محیط‌بانی که به رگبار بسته شده روی زمین افتاده‌اند. شکارچیان که آهویی را شکار کرده‌اند با سلاح کلاشنیکف تیر خلاص روی پیشانی هر دو می‌نشانند و چهره‌شان غرق در خون می‌شود. اینها بخشی از فیلم‌نامه‌ای جنگی- تخیلی نبود، بلکه چند سکانس پایانی دو زندگی واقعی بود؛ صحنه‌هایی از جنگی تمام‌عیار در عرصه محیط زیست هفته گذشته کشور.

به این تیترهای تکراری رسانه‌ها دقت کنید: ۵۰ محیط‌بان با سلاح مجوزدار هدف قرار گرفتند! شهادت محیط‌بان هرمزگانی/ ضارب خودکشی کرد! حکم اعدام محیط‌بان همدانی در دیوان عالی کشور نقض شد! از ۱۴۲ جان‌باخته در حوزه محیط‌بانی، ۴۲ نفر شهید محسوب شدند. میدان جنگی بی‌رحم آن‌هم نه نبرد با دشمن، بلکه در برابر هم‌وطن و هم‌زبان؛ نبردی نابرابر میان مأموران محیط‌بان حافظ انفال عمومی که برای هر درگیری و هر شلیک باید در دادگاه پاسخ‌گو باشند و تا پای چوبه دار بروند و شکارچیانی تا دندان مسلح با هزار مشکل روحی و روانی و اجتماعی و اقتصادی حل‌نشده که هیچ‌کس به آن فکر نمی‌کند. در نهایت هم شعار و اتهام دستگاه‌های ناظر، قانون‌گذار و مجری به یکدیگر... .

چه شده که ایران در چند سال اخیر به نسبت جمعیت و مساحت انفال عمومی بالاترین کشتار انسان را در طبیعت تجربه می‌کند؟ بیش از ۱۴۲ نفر محیط‌بان و جنگل‌بان و قرق‌بان و بیش از ۵۰۰ نفر شکارچی و قاچاقچی چوب. انگار در اینجا دردی مخفی شده که نیاز به درمان دارد. آیا چاره فراهم‌کردن چکمه و لباس ضدگلوله است و درگیری‌های تن به تن یا راه‌حل نرم‌افزاری؟ اگر نظامی‌گری است که ۵۰ سال است وضعیت همین است و اگر راه‌حل دوم که نیاز به تغییر رویکرد مدیریتی از بالا به پایین دارد و اصلاح قوانین بدون بازدارندگی. وقتی رئیس یگان حفاظت از محیط زیست سازمان جنگل‌ها و محیط زیست را فردی نظامی برمی‌گزینند آیا به این موضوع توجه می‌شود که محیط‌بان فردی است فرهنگی که قرار است مهر و دوستی برگرفته از طبیعت را گسترش دهد نه خشونت و نگاه قهریه را؟ چرا به این پدیده علمی نگاه نمی‌کنیم؟ نه شکارچی حذف‌شدنی و قابل انکار است و نه این پدیده یک پدیده نادر بدون درمان. برخورد علمی روان‌شناسانه و جامعه‌شناسانه با این پدیده در دنیا توانسته باعث درک متقابل بهتر و کاهش تشنج و در ادامه کشتارها شود. شکارچی یا برای تفریح شکار می‌کند یا نیاز به تأمین گوشت خانواده‌اش دارد یا در جامعه محلی‌اش از بچگی یاد گرفته که کشتن حیوانات وحشی لازمه رفع مشکلات اقتصادی، امرار معاش و نشانه ابهت و مردانگی است که در هر سه این موارد می‌توان علت‌العلل را شناسایی کرده و بنابراین هم مشکلات اقتصادی را حل کرد و هم اختلال‌های روان‌شناختی اختلال سلوک، اختلال شخصیت ضداجتماعی و استفاده بیجا و بیش از حد از مکانیسم دفاعی جابه‌جایی را درمان کرد. نگاه کاملا قهری به این دو گروه یک نتیجه دربر دارد؛ تضاد منافع بین محیط‌بان و شکارچی؛ شکارچی بومی که محیط‌بان را مخل نظام آرامش و معیشت خود می‌داند همچون شکارچی آنتی‌سوشال سر محیط‌بان را با تیغ موکت‌بری می‌برد یا با اسلحه جنگی به هم‌وطن خود شلیک می‌کند و محیط‌بانی که احتمالا دستگیری شکارچی را با شکارش یک امتیاز می‌بیند. در شرایطی که در سایر کشورهای دنیا محیط‌بان آموزش‌دیده در پاسگاه امن خود می‌نشیند و با امکانات رصد از دور و عکس‌های هوایی و دوربین‌های ماهواره‌ای که در مناطق حفاظت‌شده و پارک‌های ملی نصب شده، متخلفان و شکارچیان را شناسایی کرده و به مراجع قانونی و قضائی معرفی می‌کند و وقت ارزشمندش را صرف آموزش فرزندانی می‌کند که ممکن است فردا شکارچی شوند و راه‌هایی برای کسب درآمد و معیشت پیش پایشان قرار می‌دهد و سدی می‌شود در برابر این امکان. قوانین روشن و بازدارنده هم سبب می‌شود تا شکارچی و متخلف شناسایی‌شده برای حفظ منافع از کار خود دست بکشد و راهی که باعث شده آمار قتل‌هایی مشابه در دنیا به صفر نزدیک و رفتار با طبیعت اصلاح شود. همین چند سال پیش بود که در پارک ملی گلستان رئیس وقت رمضانعلی رستاقی با تعهدی که از شکارچیان برای شکارنرفتن می‌گیرد در قبالش با عزت آنها را که بلد منطقه هستند راهنمای تورهای گردشگری و تحقیقاتی می‌کند تا هم از طریق دریافت دستمزد مشکلات مالی‌شان حل شود که برای نیاز و معیشت به شکار نروند و هم حس لذت زیست سالم در حیات وحش را به جای کسب لذت با کشتن و فرار و ترس جایگزین کند. آمار شکار در این منطقه کاهش می‌یابد و رشد حیات وحش مشهود می‌شود، اما با تغییر مدیریت و ادامه برخوردهای قهری دوباره جنگ محیط‌بان و شکارچی شکل می‌گیرد.

پرنده آبی

دعوای بین اینکه مردم مقصرند یا مسئولان ستاد کرونا، مسئولان وزارت بهداشت یا رئیس‌جمهور که دستور قرنطینه را برداشت و تلویحی گفت کرونا کنترل شده، در شبکه‌های اجتماعی ادامه دارد. حسرت خرید واکسن آن هم در حالی که ارسال واکسن از سوی کوواکس هم تا دو ماه آینده لغو شده، در کنار افزایش آمار کشته‌شده‌ها، ترس و وحشت و در عین حال عصبانیت را در شبکه‌های اجتماعی به رخ می‌کشد. این سخنان علیرضا زالی، رئیس ستاد مقابله با کرونای شهر تهران که گفته است «در هر ۱۶ دقیقه طی ۲۴ ساعت گذشته یک بیمار مبتلا به کرونا فوت شده است» بسیاری از کاربران را دچار وحشت و استیصال کرده است. این مسئول ادامه داده است: «نخستین روز اعمال محدودیت‌ها مطلقا رضایت‌بخش نبود و ما نیازمند تعطیلی کامل به معنای دقیق هستیم تا بتوانیم شرایط بیماری را کنترل کنیم».

سلام به فردا

حیات علمی موزه‌ها در دوران کرونا

احمد محیط‌طباطبایی
رئیس کمیته ملی موزه‌های ایران (ایکوم)

اوج‌گرفتن شرایط کرونا در کشور منجر به تعطیلی بسیاری از نهادها و مؤسسات عمومی، دولتی و خصوصی شده است. ناگزیر موزه‌ها هم این روزها تعطیل شده‌اند و پذیرای علاقه‌مندان و بازدیدکنندگان نیستند. اما طولانی‌شدن این وضعیت و ادامه‌دارشدنش در ایران با شروع موج چهارم بهانه‌ای شد تا کمی درباره سیاست‌های موجود در تعطیلی موزه‌ها گپ بزنیم. می‌دانیم که تجربه فعالیت موزه‌ها در کشورهای مختلف دنیا در زمان پاندمی از طریق شورای بین‌المللی موزه‌ها (ایکوم) و سایر نهادهای مربوط به این موضوع در اختیار عموم مردم قرار گرفته است. این تجربه شامل همه آن چیزی که در سال گذشته در حوزه مسائل مربوط به موزه‌ها در کشورمان روی داد هم می‌شود. می‌دانیم که موزه‌ها به عنوان یک نهاد مهم فرهنگی حافظ میراث تاریخی، فرهنگی و هنری و انتقال‌دهنده آن در کشورهای مختلف هستند. ازاین‌رو باید اهمیت آنها در نظر گرفته شود و شرایط خاص‌شان حتی در چنین روزگاری هم به صورت ویژه‌تری بررسی شود. هر موزه در دنیا باید سه بخش مهم را مورد توجه قرار دهد؛ نخست مسئولیتش در حفاظت از آثار تاریخی و میراثی که از آن نگهبانی می‌کند، دیگری مخاطبانی که با موزه در ارتباط هستند و حفظ سلامت آنها از اهمیت بالایی برخوردار است و در پایان هم کارمندان، کارکنان و پژوهشگرانی را که با موزه همکاری می‌کنند باید مورد توجه قرار دهند و سعی در حفاظت عمومی در همه این موارد کنند. تجربه یک سال گذشته و درگیری شدید با پاندمی نشان داد موزه‌ها با استفاده از تکنولوژی‌های جدید توانستند مخاطبانی را به صورت مجازی و برخط پیدا کنند و به این ترتیب ارتباط و نزدیکی‌شان با مردم و بازدیدکنندگان را حفظ کردند تا به این ترتیب چندان خودشان را مقهور شرایط جدید دنیا نبینند. در ایران هم از عید سال گذشته تا عید امسال شاهد این فعالیت عمومی و گسترده موزه‌ها در فضای مجازی بودیم. اما بخش‌های مختلف یک موزه مثل بخش‌های حفاظتی، بخش‌های نگهدارنده و همچنین بدنه کارشناسی موزه‌ها مثل سایر نهادهای دولتی و عمومی می‌بایست در قالب شیفت و گروه‌بندی خودشان به موزه‌ها می‌رفتند و سعی می‌کردند تا حیات علمی، فرهنگی و... موزه‌ها را حفظ کنند. امروز وقتی شرایط قرمز یا نارنجی پیش می‌آید، موزه‌ها باید بخش ارتباط با مخاطبان خودشان به صورت حضوری را به تعلیق درآورند اما سایر بخش‌های موزه‌ها به‌ویژه حیات علمی موزه‌ها نباید تعطیل شود. برای ادامه این حیات البته که باید پروتکل‌هایی در نظر گرفته شود، کمااینکه در یک سال گذشته چنین بوده اما همان‌طور که اشاره شد نظر به اهمیت این بخش نباید منجر به تعطیلی این بخش موزه‌ها شود. حالا که در موج چهارم این بیماری به سر می‌بریم و آنچنان که مسئولان می‌گویند وضعیت در این موج سخت‌تر از سایر تجربه‌هاست، ولی اگر از این موج بلا هم به سلامت گذشتیم و وضعیت غیربحرانی کرونا بر شهرهای‌مان حاکم شد، باید بدانیم که موزه‌ها طبق پروتکل‌های لازم فعالیت کنند. در واقع زندگی و حیات موزه‌ها فعلا قرار نیست به شرایط عادی‌اش بازگردد. توجه به یک نکته هم در این میان اهمیت دارد. طبق پروتکل‌های ابلاغی از سوی نهادهایی مثل ایکوم، موزه‌ها در شرایط نارنجی باید بخش عمومی‌شان را به حالت تعطیل درمی‌آوردند، اما در ایران موزه‌ها در شمار اماکن گردشگری قرار گرفته بودند که به مدد این تقسیم‌بندی موزه‌ها در شرایط نارنجی تعطیل نشده بودند؛ تصمیم خطرناکی که امیدوارم با عبور از این شرایط سخت و عادی‌شدن وضعیت، در آن تجدید نظر صورت بگیرد. در اینجا لازم به یادآوری است که کمیته ملی موزه‌های ایران در زمان تهیه برنامه بودجه سالانه پیشنهاد داد که دولت صندوقی برای کمک به موزه‌های بخش خصوصی تهیه کند تا این موزه‌ها که در شرایط بسیار سخت‌تری نسبت به موزه‌های دولتی و بخش عمومی قرار دارند، بتوانند از پس روزهای سخت دوران کرونا برآیند و به حیات خود ادامه دهند، جدای از اینکه دولت باید سرمایه‌گذاری بسیار واجبی در توسعه زیرساخت‌های فنی لازم موزه‌ها انجام دهد تا موزه‌ها بتوانند فعالیت بیشتر و بهتری در فضای مجازی برای مخاطبان آنلاین داشته باشند. این مسئله سال گذشته به مدد کمک‌های موزه پست و مخابرات انجام شد و این موزه حمایت گسترده‌ای از سایر موزه‌ها انجام داد و زیرساخت‌های فنی لازم را برای سایر موزه‌ها فراهم کرد. امیدوارم شرایط در سال آینده هم برای این موزه فراهم باشد تا بتواند همچنان شرایط بازدید آنلاین سایر موزه‌ها را فراهم کند.

متروکه‌نگاری

نئون‌های قرمز و بریژیت باردو!

سامان موحدی‌راد

پیاده‌روان خیابان ولیعصر که تعدادشان هم زیاد است و من هم یکی از آنها هستم، هر روز از کنار پیکری پیر، چروکیده و با رنگ‌های پوسته‌پوسته رد می‌شویم. بنایی که همه ناملایمات این سال‌ها، رهاکردن‌ها و بی‌محلی‌ها هم موجب نمی‌شود چشم شما را نگیرد، لحظه‌ای را زیر انحنای تاج این ساختمان نایستید و آن را تماشا نکنید. اگر حوالی سال‌های ۱۳۳۷ تا ۱۳۵۷ آنجا می‌ایستادید، موجی از نورهای قرمز که نئون‌های فراوان آن ساطع می‌شد چشم‌تان را می‌زد و در شعاع خوبی از خیابان ولیعصر که آن زمان‌ها هنوز با آسمان‌خراش‌ها پر نشده بود، قابل دیدن بود و شما را به خود می‌خواند. درباره سینما رادیوسیتی حرف می‌زنیم که غول خفته و آرام و بی‌صدای خیابان ولیعصر است و از روزهای شلوغ و پررفت‌وآمد دهه‌های ۴۰ و ۵۰ به خاموشی دهه‌های ۶۰، ۷۰، ۸۰ و ۹۰ رسیده است. اگر بخواهیم برای مدیریت فرهنگی ایران در چند دهه اخیر شاهدمثال‌هایی بیاوریم، شاید یکی از آنها همین سینما رادیوسیتی باشد. اصلا اگر دایره‌المعارف شناختی مدیریت ایرانی مدخلی به نام مدیریت فرهنگی داشت، شاید می‌شد با همین یک عکس از رنگ‌های برگشته و چشم‌های کورشده سینما رادیوسیتی آن را توصیف و تشریح کرد. بنایی که حیدر غیایی، معمار معروف نوگرای ایرانی آن را طراحی کرد و در ۲۷ شهریور ۱۳۳۷ افتتاح شد و خیلی زود به یکی از مراکز روشنفکری ایران بدل شد. خیلی از قدیمی‌ها سینما رادیوسیتی را علاوه بر نئون‌های قرمزش با «بریژیت باردو» می‌شناسند. به‌جز اینکه سینما با «گوهرفروشان مهتاب» که «باردو» در آن بازی می‌کرد، افتتاح شده بود این سینما تا سال‌ها محفلی برای نمایش آثار سینمای اروپا بود و چندان به سینمای آمریکا علاقه‌ای نداشت. همین مسئله موجب شد تا بسیاری از علاقه‌مندان به سینما با اکران‌های رادیوسیتی به جمع علاقه‌مندان سینه‌چاک «B.B» بپیوندند. حتی فیلم‌های روشنفکری ایرانی هم جایی مثل رادیوسیتی را برای اکران انتخاب می‌کردند. زکریا هاشمی، بازیگر قدیمی ایرانی که در «خشت و آینه» ابراهیم گلستان بازی کرده در یک پادکست به کنایه می‌گوید که شاید گلستان از این حرف خوشش نیاید ولی او هم می‌خواست از اعتبار رادیوسیتی برای فیلمش استفاده کند. رادیوسیتی، محفل مردان و زنان شیک‌پوش، پاتوق عشاق سینما، مرکز تجمع روشنفکران و الهام‌بخش شاعران زیاد ایرانی بعد از اینکه چراغ‌های قرمزش ۲۰ سال روشن بود، بعد از انقلاب اسلامی ایران به فهرست اماکن متروکه اضافه شد. خوراک خوبی برای بسازبفروش‌ها و دلیل خوبی برای حسرت‌خوردن علاقه‌مندان به بافت‌های تاریخی و تاریخ معاصر ایران. این سینما بعد از انقلاب چنان که از تابلوی پیشانی‌اش پیداست، به تملک بنیاد شهید و امور ایثارگران درآمد و بعد از آنکه مدت کوتاهی در سال‌های جنگ به داروخانه تبدیل شده بود حالا چند دهه است که خالی و رهاشده در کمرکش ولیعصر آرمیده است. تلاش‌های هرازگاهی این بنیاد برای فروش این بنا با کمپین‌های رسانه‌ای ناکام مانده ولی هنوز تلاشی برای بازسازی و احیای آن و بازگرداندنش به حیات شهری دیده نمی‌شود.

زندگی دیگران-۲

نیاز به توسعه

فریدون مجلسی

• وقتی نوبت به حسنی مبارک رسید، در دوران طولانی ریاست‌جمهوری خود با چند چالش مواجه بود؛ چالش با اخوان‌المسلمین، چالش با جوانان و گروه‌های تحصیل‌کرده چپ و میانه‌رو که خواهان دموکراسی و انتخابات و مشارکت در سرنوشت سیاسی کشور خود بودند، چالش با رقیبانی که دوران حکومت طولانی و مادام‌العمر او و جانشینی فرزندش جمال را برنمی‌تافتند و چالشی بزرگ با اکثریت پنهان و آشکار فلاحین روستایی و شهری که با افزایش آگاهی نسبی خواهان مشارکت سیاسی از طریق تحمیل جایگزینی احکام شریعت بودند. تجلی قدیمی‌تر اینان همان حرکت اخوان‌المسلمین بود که سادات آن حزب را منحل کرده بود و نهایتا قربانی شد. اخوان‌المسلمین ترور مبارک را نیز اجرا کرد که ناموفق بود. ولی اخوان تدریجا با افزایش نفوذ مالی و مشارکت در فعالیت‌های بازرگانی روزافزون در بازار مصر، توانسته بود برای خود موقعیتی اجتماعی متکی بر دین و اقتصاد کسب کند و خارج از حزب در پارلمان نمایندگانی هم داشت و با حکومت سازگاری نشان می‌داد. اینان پس از آنکه بهار عربی از تونس به مصر سرایت کرد و در آستانه پیروزی و اخراج حسنی مبارک قرار گرفت، به آن پیوستند و کوشیدند با توجه به اعتبار دینی و سازمان و تشکیلات خود، رهبری بخش بزرگ یعنی فلاحین خواهان اعمال احکام شریعت را که سازمان و تشکیلات دیگری نداشتند، به خود جلب کنند. رقابت جناح اخوان‌المسلمین و اعمال برخی اوامر مذهبی توانست صنعت توریسم را که بزرگ‌ترین منبع درآمد ارزی مصر بود، به مخاطره و تعطیلی بکشاند و موجبات نگرانی جامعه میانی و لیبرال‌تر مصر را فراهم کند. در انتخابات جناح اخوان‌المسلمین با اندکی اختلاف در مرز ۵۰-۵۰ توانست نخست‌وزیر پیشین و رقیب خود را که توانسته بود آرای جامعه مدنی متشتت اما نگران مصر را به خود جلب کند، شکست دهد. محمد مرسی رهبر حزب عدالت و آزادی برآمده از اخوان‌المسلمین که پنج سال سابقه نمایندگی پارلمان را در دوران حسنی مبارک داشت، با نمایش رفتاری اعتدالی و ابراز سازگاری با معترضان لیبرال و طرفدار جامعه مدنی، به نخست‌وزیری رسید. مرسی بسیاری از مقامات پیشین نظامی، قضائی و اداری را در جایگاه‌های حرفه‌ای و تکنوکراتیک خودشان حفظ کرد، اما به‌تدریج با جابه‌جایی‌ها و سپس با حذف آنان از صحنه و جایگزینی آنان با افراد مورد اعتماد اخوان‌المسلمین و اعمال سیاست‌های مورد نظر اخوان بار دیگر معترضان شورشی را به میدان التحریر کشاند. فرمانده و رئیس جدید ستاد ارتش مصر نیز که متعلق به دایره تربیت‌شدگان دوران سادات و مبارک بود، به نوبه خود با ابراز وفاداری به مرسی موقعیت خود را مستحکم کرد، اما با کودتایی که از حمایت نظامیان و سازمان اداری و قضائی و جامعه لیبرال شهری مصر برخوردار شد، توانست به‌سرعت عنان قدرت و اداره کشور را در اختیار بگیرد. سیسی دو محاکمه را به موازات هم پیش برد؛ یعنی هم محاکمه حسنی مبارک و اطرافیان او و هم محاکمه مرسی و دولت اخوان‌المسلمین. فلاحین هم که تعلق کمتری به سران بازاری اخوان‌المسلمین داشتند و نیز نگران بی‌کاری ناشی از درآمدهای توریستی بودند، به مقابله برنخاستند. روند محاکمه حسنی مبارک در دوران ژنرال سیسی که در واقع ادامه راه و شیوه مبارک تلقی می‌شود، با دوران مرسی فرق کرد. حسنی مبارک در دادگاه تجدید نظر از بسیاری از اتهامات که موجب محکومیت به حبس ابد شده بود، تبرئه و به سه سال زندان محکوم شد و سپس از اتهام مسئولیت در قتل تظاهرات‌کنندگان و سایر اتهامات نیز تبرئه و در شرایط بیماری آزاد شد و در اسفند ۱۳۹۸ در ۹۱سالگی درگذشت. دولت سیسی به احترام درگذشت او سه روز عزای عمومی اعلام کرد. اما مرسی پس از محکومیت اولیه، در دادگاه بعدی ضمن محاکمه بیهوش شد و درگذشت، بدون آنکه عزای عمومی اعلام شود. گرچه سیسی بر اثر بیم طبقات متوسط از بازگشت طیف اخوان با چالش‌های کمتری از سوی معترضان روبه‌رو است، خصوصا پس از ساخت و افتتاح خط دوم کانال سوئز که به ظرفیت و درآمد آن کانال بیش از دو برابر افزوده است و همچنین سرعت‌بخشیدن به توسعه اقتصادی با ضریب بالا، با همان مشکلات و واکنش‌های عدم تقارن توسعه اقتصادی با توسعه فرهنگی و اجتماعی یا دوگانگی فرهنگی مواجه است که نیازمند تقدم‌بخشیدن به توسعه فرهنگی و اجتماعی است که کاری دشوار و زمان‌بر است. عوارض بقا در قدرت نیز نشانه‌های خود را در آینده بروز خواهد داد.

اتفاق

دیلی‌میل: شرکت علی‌بابا در چین که با ایده و کپی‌برداری از آمازون ساخته شده است، از سوی حکومت چین با جریمه بی‌سابقه ۲.۷۵ میلیارد دلاری مواجه شده است. پس از سال‌ها تحقیق این غول تجارت الکترونیکی به انحصار چندساله به‌خاطر موقعیت برتر در بازار محکوم شد.

یورونیوز: جسد مردی در نروژ پیدا شد که ۹ سال پیش در آپارتمانش مرده بود و کسی از او خبر نداشت. این مرد ۶۰ساله، ازدواج کرده و بچه هم داشته است. بعد از سال‌ها سرایدار از پلیس تقاضا می‌کند تا خانه‌اش را برای تمیزکردن باز کند. همسایه‌ها فکر می‌کردند وی از خانه رفته است.

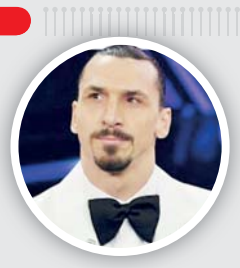

سینمادیلی: زلاتان ابراهیموویچ به دنیای بازیگری وارد شد و قرار است در آخرین فیلم مجموعه آستریکس و اوبلیکس «امپراتوری میانی» حضور داشته باشد. ستاره آث‌میلان در این فیلم در نقش «ونفوس» با ونسان کسل در نقش سزار و ماریون کوتیار در نقش کلئوپاترا هم‌بازی می‌شود.

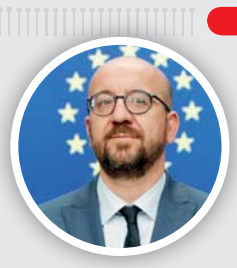

شرق‌آنلاین: چارلز میشل، رئیس شورای اروپا که به‌دلیل بی‌اعتنایی به اورسولا واندرلاین، رئیس مسائل زنان اروپا، در دیدار با اردوغان متهم بود، به روزنامه آلمانی هندلزبلات گفت که از خجالت آن اتفاق، شب خوبی را نگذرانده است. در این دیدار صندلی برای خانم واندرلاین در نظر گرفته نشده بود.

بی‌بی‌سی: در تشریفاتی رسمی به احترام شاهزاده فیلیپ، همسر ملکه بریتانیا، در چهار نقطه این کشور ۴۱ گلوله توپ شلیک شد. به این ترتیب مراسم ادای احترام به دوک ادینبورگ پایان یافت. پرنس فیلیپ که تحصیل‌کرده کالج نیروی دریایی سلطنتی بود، در جنگ جهانی دوم، یکی از فرماندهان نیروی دریایی بریتانیا بود.

ایرنا: ویوسا عثمانی، حقوق‌دان ۳۸ساله، برای دومین‌بار در تاریخ ۱۳ساله کوزوو به ریاست‌جمهوری برگزیده شد. در کوزوو رئیس‌جمهوری قدرت چندانی در اداره امور کشور ندارد، اما فرمانده کل نیروهای مسلح است و همچنین می‌تواند تأثیر زیادی در سیاست خارجی داشته باشد.